

نام خدا

مجموعه غزلیات

سمای عشق

سرانده:

اسماعیل شهربنری (نامی)

: شهرسبزی، اسماعیل، ۱۳۱۷ -
 : سیمای عشق / سراینده اسماعیل شهرسبزی (نامی).
 : شیراز: کوشامهر، ۱۳۹۶.
 : ۲۹۲ ص.
 : ۹۷۸-۹۶۴-۹۷۴-۱۸۰-۲:
 : فیپا
 : بالای عنوان: مجموعه غزلیات.
 : مجموعه غزلیات.
 : شعر فارسی -- قرن ۱۴
 : Persian poetry -- 20th century
 : PIR / ۸۳۴۹ / ۳۵۶۵۵ س ۹ ۱۳۹۵
 : ۱/۶۲۸
 : ۴۳۶۷۸۹۱:

سرشناسه
 عنوان و نام پدیدآور
 مشخصات نشر
 مشخصات ظاهری
 شابک
 وضعیت فهرست نویسی
 یادداشت
 عنوان دیگر
 موضوع
 موضوع
 رده بندی کنگره
 رده بندی دیویی
 شماره کتابشناسی ملی
 تاریخ درخواست : ۱۳۹۵/۰۶/۰۸
 تاریخ پایبند
 کد پیگ ی : ۴۳۶۶۱

انتشارات کوشامهر

مرکز نشر و پخش کتابهای دانشگاهی
 شیراز- بولوار شهیدان زند- ویروی- یام- پاساژ مسعود - پلاک ۳۳
 تلفن: ۲۳۵۸۴۶۵ - ورنکار: ۲۳۵۸۴۶۵
 ناشر برگزیده سالهای ۷۴، ۷۶، ۷۹، ۸۰، ۸۱
 خادم نشر سال ۷۷ و ۸۳



انتشارات کوشا مهر

سیمای عشق

تألیف: اسماعیل شهرسبزی

ناشر: انتشارات کوشامهر

حروف نگار: تاراسیستم ۰۹۱۷۷۱۶۶۳۲۶

لیتوگرافی و چاپ: واصف

شمارگان: ۱۰۰۰ نسخه چاپ اول: ۱۳۹۶

شابک: ۹۷۸-۹۶۴-۹۷۴-۱۸۰-۲

بنام خدا

پیش‌گفتار

ایزد توانا و مهربان را می‌ستایم که بارقه‌ی فراگیری و فرداهی را در نهادم ارزانی داشت و توانستم با ابراز این همه ودیعه‌ی خداداده، اندکی را گردآوری نموده، هرچند درخور شما دوستداران دلگویه‌ها نیست، ولی می‌توانید به دیده‌ی ارزشی دست‌کم، یک‌بار خواندن آن، مرا درراهی که پیموده‌ام یاری نمایید، از کسانی که را به سوی سرایش دلاوزه‌هایم رهنمون گردیده‌مانند: همسر «فاطمه‌ی مصلح»، و «مکی‌فرزند»م، نزدیکان، دوستان، همکاران فرهنگی؛ و چه بسا دانش‌آموزان خودم که اکنون به اکتساب دانش را گذرانده و به مقامی ارزشمند، در مراکز دانشگاهی به آموختن پرداخته و به تدریجی استادی رسیده‌اند سپاسگزارم، که کاهلی‌ها و بیهودگی‌هایم را به کوشش و جوشش مبادله نمودند.

و به راستی همان ایجاد انگیزه و رغیب آنان بود، که همه‌ی ارکان و روح و جان مرا به حرکت درآورد و اشعار و آثار خود را، از نوجوانی تاکنون گردآوری کرده؛ با این اراده که احساسات همگانی و اجتماعی هموعانم را از نهان به عیان و درون به برون بنمایانم، و همنوایی را در اندازه‌ها و قالب‌های موسیقایی و نوازش و همدمی، بطوری که گویای مکنونات دل‌های بیدار باشد، به نظم درآوردم و در دسترس همگان قرار دهم، باشد که از این رهگذر، صاحب دل، برداشنا نکات و نقاط قوت و ضعف و کاستی‌های این اثر را پس از مطالعه و بررسی به اینجانب گوشزد بفرمایند؛ تا در کتاب مکمل این مختصر، که شامل دوبیتی‌ها و قصید و ساقی‌نامه و چهارتایی‌های پندآمیز و شاید هم آموزنده باشند، به رفع کاستی‌ها اقدام نمایم. در پایان از همه‌ی دست‌اندرکاران از قبیل تایب و تنظیم، چاپ و توزیع این کتاب بی‌نهایت سپاسگزارم.

اسماعیل شهرسبزی

فروردین‌ماه سال ۱۳۹۵

فهرست اشعار

صفحه

نخستین نیمبیت هر غزل بر حسب قافیه و یا ردیف

الف:

- ۱- هم بسوزانم به هرجا، این پر پرواز را. ۲۲
- ۲- دیدی که رمانه بدگمان کرد مرا؟ ۲۳
- ۳- بر شانه‌ی تنهایی من، هیچ سری نیست. ۲۴
- ۴- از چه رو، نام، یانی، من که مهمانم تو را؟ ۲۵
- ۵- گرچه من، حیرانم و زار و پریشانم تو را. ۲۶
- ۶- بگذشت این جوانی و هر آن بهار را. ۲۷
- ۷- سازم حکایتی زغم و جان خسته را. ۲۸
- ۸- میخورم سوگند بر جان خود و جان ش. ۲۹
- ۹- تا شوم دور، از ناسزاها. ۳۰
- ۱۰- می شود جاوید، در دفتر، بسی گفتارها. ۳۱

ب:

- ۱۱- لب بی‌نوش من گردیده، بی‌تاب. ۳۵
- ۱۲- نه به خاطر است و، ندیده‌ام به کتاب. ۳۶
- ۱۳- گاهی که این دل، در وجودم، می‌شود بی‌تاب. ۳۷
- ۱۴- ماهی کوچک، میان گردی مرداب. ۳۸
- ۱۵- افسرده‌ام، هم واله و بی‌تاب. ۳۹
- ۱۶- هر توان، فرسود، دنیای غریب. ۴۰
- ۱۷- درجهان، هرچه که دیدم، همگی بود فریب. ۴۱

ت:

- ۱۸- دیدم به چشم خویش، که خرم بهار، رفت. ۴۵
- ۱۹- ترکیب قشنگ لب جانانه، مرا کشت. ۴۶
- ۲۰- به غم رسیده نشستن، بگویمت؛ خوب است. ۴۷
- ۲۱- جوی جوی خون دل، از جور هر شداد، رفت. ۴۸
- ۲۲- غم نهان، به دلم خفته، آن غم، این است. ۴۹
- ۲۳- آن بمدلی که بود، دگر پاکشید و رفت. ۵۰
- ۲۴- برای بدرآم، سرشک و آهی نیست. ۵۱
- ۲۵- می‌خواره در طاب، در سیخانه را شکست. ۵۲
- ۲۶- آن دیده را نگر، که به یاد روشن است. ۵۳
- ۲۷- نخل جنوب و خارک شادانه ابروست. ۵۴
- ۲۸- ساز عشقم، بر فراز گنبد دوار رفت. ۵۵
- ۲۹- دوستت دارم و دیگر، سرانکاری نیست. ۵۶
- ۳۰- این دلم، همراه با کفاش و با عطار رفت. ۵۷
- ۳۱- حجب و ادب، شرم و حیا، ته کشید و رفت. ۵۸
- ۳۲- گفتا: چه وقت یار به یاری رسیدن است؟ ۵۹
- ۳۳- روزگار ما گذشت، اما چه سخت!؟ ۶۰
- ۳۴- راستی، غربت گزید و، دامن خود، چید و رفت. ۶۱
- ۳۵- رفتی و از تنم، همه دم، صبر و تاب رفت. ۶۲

- ۳۶- هنوز تیر نگاهت به سینه‌ام، کاریست. ۶۳
- ۳۷- ای بسا، از می لعلش، دلم آرام گرفت. ۶۴
- ۳۸- یاد رویت، در فضای روح، با من همدم است. ۶۵
- ۳۹- ایکاش، بوسه‌ای، به لب ما، نشاند و رفت. ۶۶
- ۴۰- یکی مست، بن‌چنین، در گوش من گفت. ۶۷
- ۴۱- آمد به درونم سحری، غم زد دل برست. ۶۸
- ۴۲- از چه پنداری جهان، هم درن گلستانست، نیست؟ ۶۹

ج:

- ۴۳- مرا، زخانه‌ی جانانه، می‌کنند سراج. ۷۳
- ۴۴- روی دلبر، کعبه و مقصود و حاج. ۷۴

چ:

- ۴۵- نام قدیم ناخوشی و درد، بوده موج^(۱)؟ ۷۷

ح:

- ۴۶- مرا، تو، رنجه مکن، هم به کف نگیر سلاح. ۸۱

د:

- ۴۷- ما، چه بودیم، که این بود، خدا می‌سازد؟ ۸۵
- ۴۸- انگیزه‌ی این نظم من، از داغ درون بود. ۸۶

- ۸۷ - دلگویه، گر نباشد، بر دل نمی‌نشیند. ۱۲۵
- ۸۸ - مردیم از فراق و ، کسی دیده تر نکرد. ۱۲۶
- ۸۹ - پر وزن در قفس ای مرغ، که در را بستند. ۱۲۷
- ۹۰ - دگر مجال ندارم، که می‌زنم فریاد. ۱۲۸
- ۹۱ - دلم در این زمان، چون دیگ، بر آتش، همی جوشد. ۱۲۹
- ۹۲ - آن چهره در حجاب و گهی در سحاب، بود. ۱۳۰
- ۹۳ - دوش دیدم سحر، فرز و جوان آمده بود. ۱۳۱
- ۹۴ - در این از شاهان، رفتن از این شهر و دیار خود. ۱۳۲

ذ:

- ۹۵ - اینجاست قلم، بیار کاغذ. ۱۳۵

ز:

- ۹۶ - چون دلم یک پنج وارونه کشیدم روی دیار. ۱۳۹
- ۹۷ - بیا و مهر، بورز، و دلم به دست بیار. ۱۴۰
- ۹۸ - گر ندانسته بدی رفت، تو نیکش بشمار. ۱۴۱
- ۹۹ - نرگس مست تو در خواب و دو چشمم بیدار. ۱۴۲
- ۱۰۰ - ای دلیل راه ما، آهسته‌تر. ۱۴۳
- ۱۰۱ - تو، نه آنی، که به وصف بستاییم دگر. ۱۴۴
- ۱۰۲ - تو، چه دانی، غم آوارگی و سوز جگر. ۱۴۵
- ۱۰۳ - همچون تلاطمی ز می سرخ در بلور. ۱۴۶

ز:

- ۱۰۴ - لب میگون تو، می‌سازدم باز ۱۴۹
- ۱۰۵ - هر شب از دوری تو، بودن و بیدار هنوز ۱۵۰
- ۱۰۶ - فال برگفته‌ی ما، زن که دری سازد باز ۱۵۱
- ۱۰۷ - تو اگر در به رهی، در گذر از شیب و فراز ۱۵۲
- ۱۰۸ - دفتر کی یکی صفحه باز ۱۵۳
- ۱۰۹ - رواست، گ بسیار جهان به جنگ و گریز ۱۵۴
- ۱۱۰ - تنم به چاله و با ها ی سراب انداز ۱۵۵

س:

- ۱۱۱ - می‌دویدم در پی‌ات، بسیار بی‌یدم نفس ۱۵۹
- ۱۱۲ - برید، رشته‌ی جان‌های عاشقان زانوس ۱۶۰

ش:

- ۱۱۳ - مانند نخود، که سرکشد در هر آش ۱۶۳

ط:

- ۱۱۴ - سرخوشم، جانم، نگارم، تا تو را دارم فقط ۱۶۷

ک:

- ۱۱۵ - ما را ز طعنه‌های رقیبان، دگر چه باک ۱۷۱
- ۱۱۶ - اگر که، بی‌خردی، یا فضول و هم هتاک ۱۷۲

ق:

- ۱۱۷- گشته‌ام امروزه، چون سردار عشق ۱۷۵
- ۱۱۸- در حیرتم ز شوکت و هم اقتدار عشق ۱۷۶

ل:

- ۱۱۹- تو یک توی چم، ای پرهوس، دل ۱۷۹

م:

- ۱۲۰- ز لاله‌های خیال، به سدر بهار کنم ۱۸۳
- ۱۲۱- دیده را می‌خواهم از سب رویت دریا کنم ۱۸۴
- ۱۲۲- شبی ز نیمه گذشته، بیا دریا بزم ۱۸۵
- ۱۲۳- ز چه گر، چنگ به گیسوی دلاور کنم ۱۸۶
- ۱۲۴- این داغ بی‌قراری‌ام، در نای نی کنم ۱۸۷
- ۱۲۵- در این دنیا، چه می‌شد تا که چون خورشید هم باش ۱۸۸
- ۱۲۶- بار غم تو را، به دل و جان، خریده‌ام ۱۸۹
- ۱۲۷- به لطف آب و سیمای نور می‌باشم ۱۹۰
- ۱۲۸- خنده سر دادی و من، قند مکرر شده‌ام ۱۹۱
- ۱۲۹- از این شیرین سخن گفتن، یقین دارم، نمی‌میرم ۱۹۲
- ۱۳۰- در نهانخانه‌ی دل راز تو پنهان دارم ۱۹۳

- ۱۳۱- خوش می‌گذری، آن گذرت را خواهم..... ۱۹۴
- ۱۳۲- زهدی که از ریا بزند سر، چرا کنم..... ۱۹۵
- ۱۳۴- خیز و بیا، که بیش و کمی هم، صفا کنیم..... ۱۹۶
- ۱۳۵- ما عاشق و باده‌پرستیم هم..... ۱۹۷
- ۱۳۶- پیری رسید و، وسوسه‌ی کار ندارم..... ۱۹۸
- ۱۳۷- امروز دگر نه به دارم نه به بارم..... ۱۹۹
- ۱۳۸- جانانه‌ام، ای دارم، ای تار و پودم..... ۲۰۰
- ۱۳۹- پیراهن صبورد خوب پاره کردم..... ۲۰۱
- ۱۴۰- دیدم رخ ماه تو و آرا گرفتم..... ۲۰۲
- ۱۴۱- ای ماهرو، که زهر جفا می‌خشا..... ۲۰۳
- ۱۴۲- نظر، گر بر رخ آن دلبر چون ماه انداز..... ۲۰۴
- ۱۴۳- آن شوخ دلفریب، ولی دوستدار، هم..... ۲۰۵
- ۱۴۴- من با دل شوریده‌ی خود، جا گرفته‌ام..... ۲۰۶
- ۱۴۵- چرا، آن رمز و راز دلبری‌ها را، ندانستم..... ۲۰۷
- ۱۴۶- به فدای تو شوم، این تن و جان را بدهم..... ۲۰۸
- ۱۴۷- نادان مرا به زمره‌ی می‌خواره، برد نام..... ۲۰۹
- ۱۴۸- دوستان، دلگویه‌ام را، گرچه دیر آورده‌ام..... ۲۱۰
- ۱۴۹- از رنج این زمانه، اگر دل شکسته‌ایم..... ۲۱۱
- ۱۵۰- دیشب، غم دلم را، از نو شماره کردم..... ۲۱۲